

# معناشناسی واژگان اخلاقی خانواده در قرآن کریم

دکتر طیبه اکبری راد<sup>۱</sup>

## چکیده

خانواده هسته اصلی کلیه اجتماعات بشری است که شخص در آن گام گذاشته و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و تعاون و از خود گذشتگی را فرا می‌گیرد. در این واحد اجتماعی کوچک که از ازدواج زن و مرد پدید می‌آید، طرفین دارای حقوق و وظایفی در مقابل یکدیگر می‌باشند. در قرآن کریم برای بیان مقررات مربوط به وظایف و فرایض اخلاقی در نظام خانوادگی از واژه‌های مختلفی استفاده شده است. در این مقاله اهم این واژگان معناشناسی شده است. از بررسی مفاهیم قرآنی صالحات، اصلاح، معروف و احسان می‌توان گفت که قرآن تأکید فراوانی به رعایت اصول اخلاقی دارد. خانواده محل تمرین و ممارست این اصول است. در قرآن کریم زن و مرد به مدارا، عفو، رعایت حقوق یکدیگر و حفظ خانواده توصیه شده‌اند. از نظر

۱. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

قرآن کریم سلسله مراتبی در خانواده میان زن و مرد وجود ندارد و هر کدام بر اساس طبیعت خود از حقوقی برخوردار می‌باشند.

## واژگان کلیدی

خانواده، مفاهیم اخلاقی، معنی‌شناسی، حقوق زوجین

### مقدمه

در قرآن کریم همواره بر رعایت اصول اخلاقی تأکید خاصی شده است. خداوند در جای جای قرآن این اصول اخلاقی را در تمام مراحل زندگی انسان مورد تأکید قرار داده است. مفاهیمی چون احسان، بخشش، عفو، چشم‌پوشی از گناهان دیگران، مدارا کردن، صبر، فروخوردن خشم و... به وفور در آیات قرآن کریم مشاهده می‌شود. خانواده که هسته مرکزی جامعه است از این امور مستثنا نیست. از نظر قرآن کریم خانواده زمانی می‌تواند پایدار بماند که در آن زوجین به سکنیه قلب رسیده و بینشان مودت، دوستی، رحمت و مهربانی حکمفرما گردد. بنابراین می‌بایست زوجین نسبت به هم رفتارهایی داشته باشند که بتوانند خانواده‌ای پایدار بر اساس رحمت و مهربانی داشته باشند.

در قرآن کریم برای تشریح وظایف و اصول اخلاقی زوجین از واژه‌های مختلفی استفاده شده است. اهم این واژه‌ها عبارتند از: صالحات، اصلاح، معروف و احسان. در این مقاله با استفاده از بعضی روش‌های معناشناسی (semantic)، واژگان فوق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و حدود و ثغور وظایف و حقوق زوجین در خانواده تبیین شده است.

## خانواده و اهمیت آن

«و من ایته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لایاتٍ لقوم یتفکرون.» (روم/۲۱)

۱. از ظهور معنی‌شناسی به عنوان یک علم کمتر از نیم قرن می‌گذرد. (لایتز، پیشگفتار) معنی‌شناسی را می‌توان به سه شاخه عمده تقسیم کرد: معنی‌شناسی فلسفی، معنی‌شناسی منطقی و معنی‌شناسی زبانی. در معنی‌شناسی زبانی توجه معطوف به خود زبان است و معنی‌شناسی به دنبال درک معنا از طریق زبان است. (صفوی، ۱۴) در معنی‌شناسی یا مجموعه‌ای از نظریات و روش‌ها مواجه هستیم. برای تحلیل معناشناختی برخی واژگان اخلاقی در قرآن کریم از روش‌های معنی‌شناسی ساختگرا یعنی مطالعه ساختگرایانه روابط معنایی در سطح واژه و وصف معنا در چارچوب بافت زبانی استفاده می‌شود.

خانواده به مفهوم محدود آن عبارتست از یک واحد اجتماعی کوچک که از ازدواج زن و مرد پدید می‌آید و فرزندان آن را تکمیل می‌کنند.

طبق آیه ۲۹ روم منظور از ازدواج تشکیل خانواده‌ایست که در آن سکینه و آرامش که حاصل دوستی و محبت است پدید آید و با زیاد شدن این واحد کوچک و سالم که به منزله سلول تن جامعه می‌باشد، امتی بوجود آید که مؤدّت، دوستی، رحمت و مهربانی صفت دائمی و همیشگی او گردد و کینه، نفاق، خشم و خشونت راهی در میان امت پیدا نکند.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکامل و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.<sup>۱</sup> «ژوسران» دانشمند بزرگ فرانسوی می‌گوید: «تاریخ به ما می‌آموزد که تواناترین ملت‌ها، مللی بوده‌اند که خانواده در آنها قویترین سازمان‌ها را داشته است.»<sup>۲</sup>

### مفاهیم اخلاقی در نظام خانواده

زندگی انسان به وسیله مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و مشتقات بی‌شمار آن اداره شده و نظم می‌یابد. جهان بینی قرآن اساساً یک جهان بینی خدا مرکزی است. در این جهان بینی همه چیز بر محور ذات باری تعالی می‌گردد. خداوند در همه جا هست و هیچ چیز از دانش و بینش او مخفی نیست. از نظر معناشناسی مفهوم این سخن آن است که هیچ مفهوم عمده‌ای در قرآن جدا از مفهوم خدا وجود ندارد. در قلمرو اخلاقیات انسانی هر یک از مفاهیم بازتابی ضعیف و رنگ باخته و یا تقلیدی ناقص از طبیعت ذات باری تعالی است و یا به واکنشی خاص که از اعمال الهی ناشی می‌شود، اشاره دارد.

اخلاقیات انسانی انعکاسی از اخلاقیات الهی است. انسان باید نسبت به دیگران با عدالت و صداقت رفتار کند زیرا اعمال خداوند همیشه کاملاً عادلانه و صادقانه است. انسان هرگز نباید به دیگران ظلم کند، زیرا خداوند نیز هرگز به کسی ظلم روا نمی‌دارد. انسان باید بکوشد که ببخشد و عفو کند، زیرا خداوند نیز همیشه آماده غفران و بخشاینده است نسبت به بندگان خویش است.<sup>۳</sup> رفتارهای انسان به دو بخش رفتارهای عادلانه و محسنانه تقسیم می‌شود. رفتارهای

۱. رک. به: مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. صفایی، سید حسین، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۸.

۳. ایبوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، صص ۲۷-۲۸.



عدالانه همان رعایت حقوق دیگران است. خانواده کانون اصلی فراگیری آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و مسائل اخلاقی است. خانواده محل تمرین و ممارست و یادگیری حقوق دیگران است. امام سجاده (ع) در رساله حقوق خود، حقوقی را برای اصناف مختلف مردم به ترتیب اولویت بیان کرده‌اند. این رساله از بیان حقوق نزدیک‌ترین افراد نسبت بهم آغاز شده و با بیان حقوق اهل دمه خاتمه پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

خانواده که از ازدواج زن و مرد پدید می‌آید و فرزندان آن را تکمیل می‌کنند، دارای حقوقی نسبت به یکدیگر می‌باشند. در قرآن کریم برای بیان مقررات مربوط به وظایف و فرایض اخلاقی در روابط خانوادگی از واژه‌های مختلفی استفاده شده است. اهم این واژه‌ها عبارتند از: صالحات، اصلاح، معروف و احسان.

## معناشناسی مفاهیم اخلاقی در نظام خانواده

### صالحات:

خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للنیب...». این آیه بیان کننده بعضی از حقوق و اخلاقیات متبادل میان زن و شوهر است. مهمترین حق زن در نظام خانواده بهره‌مندی از پشتوانه مادی و معنوی مرد است. مردان برپادارندگان نظام اقتصادی هستند. قیومیت در زبان قرآن به معنای فرمانروایی و سالارگری نیست، بلکه یعنی سرپرستی و مدیریت و مسئولیت‌پذیری و چنین قیومیتی خدمتگزاری است.<sup>۲</sup> در آیه دو دلیل ذکر شده است: (۱) «بما فضل الله...» بعضی گویند منظور فزونی و امتیازی است که بالطبع مردان بر زنان دارند، یعنی زیادتی قوه تعقل و فروع آن مانند هموردی و تحمل شدائد و کارهای سخت و سنگین.<sup>۳</sup> به نظر نگارنده بافت آیات (آیه ۳۲) نشان می‌دهد که منظور از «بما فضل الله» افزونی اموال بواسطه سهم الارث می‌باشد.<sup>۴</sup> (۲) «و بما انفقوا من اموالهم» و به دلیل اینکه نفقه زنان به عهده مردان است.

۱. رک. به: امام زین العابدین، رساله الحقوق.

۲. جوادی املی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۲۹.

۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۵۰۷.

۴. ذیل آیه ۳۲ سوره نساء، ذکر شده است: بعد از اینکه آیات میراث و دستور تقسیم ارث آمد، زنان کسی را خدمت بیغمبر (ص) فرستادند که خدا مردان را در ارث دو برابر زنان فرمود. کاشکی زنان را دو برابر بودی که زنان ضعیفند و مردان توانا. حق تعالی این آرزو را نپسندید و... (یاسری، ۸۳۰)

از جمله حقوق شوهران در آیه که برای زنان صالحه و شایسته ذکر شده عبارت است از: (۱) «قانتات» مطیع و متواضعند. منظور اطاعت و تواضع دز برابر همسران است. حداقل اطاعت زنان از شوهران مربوط به تمکین جنسی است. بافت زبانی نیز همین معنا را تأیید می‌کند. در احادیث معصومین (ع) به وجوب تمکین زن نسبت به همسر اشارات فراوانی شده و آنرا حق واجب شوهر شمرده‌اند. زن وظیفه دارد اخلاق خوش و نیکویی در رابطه با همسر داشته باشد. تندخویی نکند، عصیان نرزد و با زبان تیشدار او را از خود نرنجاند.<sup>۲</sup> امیرالمؤمنین (علی) خوش رفتاری زنان با شوهر را جهاد آنها در راه خداوند به حساب آورده‌اند.<sup>۳</sup>

(۲) «حافظات للغبیب» در این مورد وجوهی ذکر شده است. الف- خود را حفظ می‌کنند.<sup>۴</sup> بافت زبانی این معنا را تأیید می‌کند. ب- مال شوهران را از تباهی حفظ می‌کنند. ج- حافظ آبرو و اسرار همسران هستند.<sup>۵</sup> پیامبر فرمود: «خیر النساء امراه ان نظرت الیهاسرتک و ان امرتها اطاعتک و اذاعتبت عنها حفظ تک فی مالها و نفسها» و این آیه را تلاوت کرد. بهترین زنان در برابر شوهران زنی است که شوهر با نگاه به او مسرور شده، در مقابل شوهر مطیع و متواضع و در غیاب شوهر حافظ مال و خویشتن است.<sup>۶</sup> خداوند در آیه ۱۰ سوره تحریم، همسران نوح و لوط را به عنوان افرادی غیر صالح معرفی می‌کند و ملاک غیر صالحه بودن ایشان را خیانت به همسران بیان می‌نماید.<sup>۷</sup>

### معروف:

در بعضی از آیات واژه «معروف» در مسائل حقوقی قرآن به کار رفته است. این واژه در بسیاری از موارد مقررات مربوط به وظایف و فرایض اخلاقی را در نظام خانواده بیان می‌کند. معنای معروف - را در قرآن کریم می‌توان از طریق واژه‌های متقابل شناسایی کرد. در قرآن «معروف» و «عرف»

۱. طباطبایی، همان، صص ۵۰۷-۵۰۸.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵.

۳. کلینی، فروع من الکافی، ج ۵، ص ۸.

۴. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، ج ۵، ص ۸۵.

۵. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۷، ص ۲۲۷؛ منهجی، محمد، کنز الدقائق، ج ۲، ص ۳۹۷.

۶. زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۱۵۰۶؛ طبری، مختصر تفسیر القرطبی، ج ۱، ص ۵۰۰.

۷- «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امراه نوح و امراه لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا صالحین فخانتا هما فلم یعنا عنهما من الله شیاً» خدا برای آنان که کافرند زن نوح و زن لوط را مثل زد که آن دو زن در تحت نکاح دو بنده از بندگان صالح ما بودند. این دو زن به شوهران خود خیانت کردند. پس مقام نبوت نوح و لوط چیزی از عذاب خدا را از آن دو زن کم نکرد.

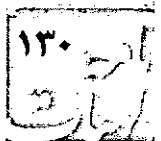
مقابل منکر و نکر قرار دارند. در بعضی از آیات واژه‌های «منکر» و «نکر» به معنای ناشناخته (حجر ۶۱ و ۶۲ ذاریات ۲۵) و در بعضی به معنای زشت آمده‌اند (کهف ۷۴، عنکبوت ۲۹) بنابراین معروف به معنای شناخته شده، نیکو و منطبق بر طبیعت انسان و شرع و عرف متکی بر عقل و شریعت است. بیش از پنجاه درصد از موارد حقوقی که بوسیله معروف ذکر شده، مربوط به حقوق زن است. خداوند در آیات متعدّد حقوق زن را در شرایط و موقعیت‌های مختلف بیان کرده است. از جمله آیاتی که دربرگیرنده حقوق جامعی برای زن است، آیه ۲۲۸ بقره می‌باشد. در قسمتی از این آیه می‌فرماید: «و لهن مثل الذی علیهن با لمعروف» زنان مانند مردان حقوقی به عهده همسرانشان دارند. خداوند برای حقوق زنان قید «معروف» را اضافه کرده است. به دلیل جامع بودن این واژه مفسران مطالب زیادی بیان کرده‌اند.

بعضی گویند منظور از «معروف» در این آیه، حسن معاشرت و ترک ضرر زدن به زن و نفقه و پوشش زن است.<sup>۱</sup> ابن عباس گوید: «منظور آراسته و مرتب بودن برای همسر است، همانطور که زن چنین وظیفه‌ای دارد.»<sup>۲</sup> بعضی دیگر گویند که منظور از مشابَهت، مشابَهت در وجوب است نه در جنس مثل. اگر مشاهده می‌شود نظرات مفسران در این مورد با هم متفاوت است، به این دلیل است که برخی از مفسران حقوق انسانی زن را لحاظ کرده و از آن سخن گفتند و بعضی دیگر حقوق زن در نظام خانواده را در نظر گرفتند. آیه نه تنها مؤید حقوق انسانی زن، بلکه بیان کننده حقوق او در نظام خانواده است. در بعضی از آیات به بعضی از این حقوق اشاره شده است. به عنوان مثال خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء در مورد نحوه معاشرت با زنان می‌فرماید: «و عاشروهن بالمعروف». در این آیه معاشرت با زنان مقید به معروف شده است. یعنی عرف یک جامعه که معیار فرهنگ جامعه است، در نوع برخورد و رفتار با همسر دخالت دارد. طبعاً چون عرف در جوامع و طبقات مختلف جوامع متفاوت است، نوع رفتار و برخوردها نیز بر این اساس باید تغییر کرده و برخوردی شناخته شده و پذیرفته شده از سوی جامعه باشد. از جمله حقوق مسلم زنان هزینه زندگی ایشان است. پیامبر اکرم در خطبه حجه الوداع راجع به حق زن بر شوهر فرمود: «فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف» بر شما باد خوراک و پوشاک زنانتان به طریق معروف.<sup>۳</sup> امام صادق (ع) از پیامبر اکرم نقل کردند که فرمود: «ملعون من ضیع

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۳.

۲. قرطبی، همان، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳. حرّعاملی، همانجا.



من یعول» کسی که خانواده و عائله خویش را ضایع کند، مورد لعن و نفرین است.<sup>۱</sup> قرآن در آیات ۲۲۹ و ۲۳۱ بقره و ۲ طلاق همواره بر این امر تأکید دارد که تداوم زندگی با زنان باید بطور معروف (شناخته شده از نظر شرع و عقل و عرف) بوده و هیچگونه زیان و ضرر مادی و معنوی به دنبال نداشته باشد (فامسکوهن بمعروف). قرآن در هنگام جدایی زن و شوهر نیز حقوق زن را در نظر گرفته، می‌فرماید جدایی نیز باید بطور معروف باشد: «سَرَحُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ» (بقره/۲۳۱) یا «فَارَقُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ» (طلاق/۲). قرآن در هنگام طلاق حقوق معنوی و مادی مادران را مورد توجه قرار داده است و می‌فرماید حفظ و نگهداری از شیرخواران تا دو سال به عهده مادران بوده و در این دوران لازم است مردان هزینه زندگی و پوشاک زنان را در حد شایسته و متعارف به عهده گیرند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يَتَمَّ الرِّضَاعَ وَ عَلٰى الْمَوْلُوْدِ لَهٗ رِزْقُهٗنَّ وَ كَسُوْتُهُنَّ بِالمَعْرُوْفِ» (بقره/۲۳۳). پس از عده وفات همسر نیز حقوق زنان حفظ شده است؛ می‌فرماید که زن بعد از انقضای عده در کار خود اختیار داشته و چنانچه خواست با مرد دیگری ازدواج کند، هیچکس حق ندارد به استناد پاره‌ای از عادت و رسوم جاهلانه از ازدواج او جلوگیری کند: «وَالَّذِيْنَ يَتُوفَوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذُرُوْنَ اَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَ عَشْرًا فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْهِنَّ فِعْلُنَّ فِىْ اَنْفُسِهِنَّ بِالمَعْرُوْفِ» (بقره/۲۳۴). از طرفی در آیه ۲۴۰ بقره یک حکم اخلاقی برای ورثه در رابطه با همسران بیان شده است، می‌فرماید یک سال نفقه و لباس و منزل به آنها تعلق می‌گیرد و کسی حق اخراج آنها را از خانه‌های شوهران ندارد: «وَالَّذِيْنَ يَتُوفَوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذُرُوْنَ اَزْوَاجًا وَ صِيَّهٖ لَازِوَاجِهِمْ مَتَاعًا اِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ اَخْرَاجِ فَاَنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِىْ مَا فَعَلْنَ فِىْ اَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوْفٍ وَ اَللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ»<sup>۲</sup> در ادامه آیه می‌فرماید که اگر زنان قصد خروج داشتند، چنانچه اعمالشان منطبق بر شرع و عقل و عرف باشد، شما در مقابل ایشان وظیفه‌ای ندارید.

۱. همانجا.

۲. سیوطی در اتقان می‌نویسد آیه ۲۴۰ بقره به وسیله آیات ۲۳۴ بقره و ۱۲ نساء نسخ شده است (سیوطی، ۴۸/۲). ولی زرقافی در متأهل العرفان می‌نویسد بعضی معتقدند که آیه شریفه نسخ نشده است، زیرا بین دو آیه منافاتی نیست. آیه ۲۴۰ بقره وظیفه زوج را بیان می‌کند که وصیت کند تا زوجه خود را تا یکسال از خانه بیرون ننماید و آیه ۲۳۴/بقره مربوط به بیان عده زنها است که نباید ازدواج و یا زینت نمایند. بنابراین تنافی در بین دو آیه نیست، تا نسخ لازم آید.

۳. ... و ان تصلحوا و تقوا فان الله كان غفوراً رحيماً.

## اصلاح:

اصلاح در بعضی از آیات به معنای مدارا کردن است. یکی از اصول اخلاقی در جامعه اسلامی مدارا کردن با یکدیگر می‌باشد. خداوند حتی به هنگام قصاص می‌فرماید کيفر بدی، مجازاتی همانند آن است: «و جزاء سیئه سیئه مثلها...» (شوری/۴۰). کسی که عفو کند و به وسیله عفو و چشم‌پوشی امر میان خود و او را اصلاح کند، یعنی با او مدارا کند، خداوند او را جزا می‌دهد. خانواده که هسته مرکزی جامعه اسلامی است، از این امر مستثنی نیست. در موارد متعدد در قرآن کریم تکیه بر مدارا کردن زوجین شده است. گاه خداوند مردان را مورد خطاب قرار داده، از آنان خواسته که رفتارهای بد گذشته خود را نسبت به زنان اصلاح کرده و کلیه حقوق آنان را ادا نمایند. (نساء/۱۲۹). در آیه ۱۹ نساء می‌فرماید: اگر به دلیلی نسبت به زنان بی‌میل هستید، آنها را تحمل کنید. به خاطر داشته باشید بسا چیزی را نپسندید در حالیکه خداوند در آن خیر بسیار گذاشته است.

گاه زنان را در نظام خانواده مورد خطاب قرار داده (نساء/۳۴) و گاه هر دو را تشویق به مدارا کردن کرده است (بقره/۲۲۸). در آیه ۱۲۸ سوره نساء می‌فرماید: «و ان امرأه خافت من بعلها نشورا او اعراضا فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحا و الصلح خیر». اگر زنی به نشوز شوهر و اعراض او علم پیدا کرد (متوجه شد بنا به عللی همسر به او بی‌میل و بی‌علاقه است) لازم است با هم مدارا کنند (هر دو حقوقی که عهده دارند، به جا آورند). در چنین موقعیت‌هایی مدارا کردن برای زنان از جدایی بهتر است. در انتهای این آیه خطاب به مردان می‌فرماید نیکی کردنتان به زنان بر اساس تقوا و صبر بر ناخشنودیتان زیاتر از جور بر زنان است.<sup>۲</sup>

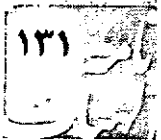
## احسان:

یکی از اصول اخلاقی، احسان است. شروع این اصل مهم اخلاقی در خانواده پیریزی شده و در ارتباط با پدر و مادر می‌باشد. مسئله احسان به والدین در موارد متعدد بیان شده است. در بعضی از آیات (انعام/۱۵۱، نساء/۳۶ و اسراء/۲۳-۲۴) به صراحت و در مواردی بصورت توصیه و پیشنهاد ذکر شده است (احقاف/۱۵ و لقمان/۱۴).

در این آیات شیوه احسان به پدر و مادر و دیگران توضیح داده شده است. در آیات ۲۳-۲۴ سوره اسراء خداوند می‌فرماید: «و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احساناً اما یبلغن

۱. ر.ک. به: اکبری‌راد، طیبه، بررسی و تحلیل و معناشناختی عمل صالح در قرآن کریم (پایان نامه دکتری)، ص ۱۹۴.

۲. طوسی، التیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۴۸.





عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تنقل لهما اف و قل لهما قولاً کریماً و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه و قل رب ارحمهما کما ربیبانی صغیراً»

در این آیه طریقه عطف به صور ذیل بیان شده است:

۱- پرهیز از سخنانی که موجب رنجش پدر و مادر می‌شود.

۲- با آنها نیکو و پسندیده و همراه با احترام سخن گفتن.

۳- در معاشرت و گفتگو متواضع بودن.

۴- دعا کردن برای پدر و مادر.

در این آیه مهربانی و دلسوزی نسبت به پدر و مادر در غالب گفتار و رفتار و نیت انسان به تصویر کشیده شده است. خداوند در آیه ۳۶ سوره نساء می‌فرماید: «... و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القربی و الحار الجنب و الصاحب الجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم ان الله لا یحب من کان مختلاً فخوراً». در این آیه احسان نقطه مقابل فخر فروشی و تکبر ذکر شده است. مصداق بارز فخر فروشی بخل ورزیدن می‌باشد. «الذین یخلون و یا مرون الناس بالبخل» لذا منظور از احسان در این آیه مهربانی و تواضع و سخاوت داشتن است.

قرآن برای بیان پرداخت حقوق زن در هنگام جدایی نیز واژه احسان را بکار برده و می‌فرماید جدایی باید همراه با احسان باشد: «او تسریح باحسان» (بقره/۲۲۹)، یعنی شوهر لازم است در هنگام طلاق حقوق زن را بیش از حد متعارف و به صورتی سخاوتمندانه پرداخت نماید.

## نتیجه‌گیری

هدف از ازدواج تشکیل خانواده‌ایست که در آن سکونت و آرامش حاصل از محبت و صمیمیت باشد. خانواده هسته مرکزی جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی است. زندگی انسان به وسیله مجموعه‌ای از اصول اخلاقی اداره می‌شود. زن و مرد در زندگی مشترک زناشویی دارای حقوقی نسبت به یکدیگر می‌باشند. اگر بخواهند زندگی سعادت‌مندانه‌ای در کنار هم داشته باشند، ناگزیر به رعایت آن حقوق می‌باشند. در قرآن کریم برای بیان مقررات مربوط به وظایف و فرایض اخلاقی در روابط خانوادگی از واژه‌های مختلفی استفاده شده است. اهم این واژه‌ها که در این مقاله معناشناسی شده عبارتند از: صالحات، اصلاح، معروف و احسان.

واژه «صالحات» بیانگر حقوق شوهران از جانب زنانی است که حالات و رفتارهای شایسته دارند. چنین زنانی در مقابل همسران آشنا به حقوق همسری (همسرانی که پشتوانه‌های مادی و معنوی نظام خانواده هستند) نرم و متواضع بوده و در غیاب شوهران حافظ حقوقشان هستند.

واژه «معروف» در ۱۲ مورد برای بیان حقوق زن در خانواده آمده است. قرآن برای بیان نحوه معاشرت با زنان، هزینه زندگی ایشان، تداوم زندگی و حتی هنگام جدایی از زنان، قید «معروف» را ذکر کرده است. یعنی نوع رفتارها و برخوردها باید شناخته شده و پذیرفته شده از سوی طبع و شرع و عرف جامعه سالم باشد.

در قرآن کریم واژه «اصلاح» در موارد متعدد به معنای عفو و مدارا کردن میان زوجین بکار رفته است. قرآن گاه مردان را مورد خطاب قرار داده و از آنان خواسته با زنان مدارا کنند، گاه زنان را و گاه هر دو را تشویق به مدارا کرده است.

از بررسی مفاهیم قرآنی صالحات، اصلاح و معروف می‌توان گفت که محور نظام خانواده زوجین است. به عبارت دیگر اصل و اساس خانواده از نظر قرآن زوجین می‌باشد. در قرآن کریم زن و مرد به مدارا، عفو، رعایت حقوق یکدیگر و حفظ خانواده توصیه شده‌اند. از نظر قرآن کریم در نظام خانواده، سلسله مراتبی میان زن و مرد وجود ندارد و هر کدام بر اساس طبیعت خود از حقوقی برخوردار می‌باشند.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

۱. اکبری راد، طیبه، بررسی تحلیلی و معناشناختی عمل صالح در قرآن کریم، رساله دکتری، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۶.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۰.
۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء، ۱۳۸۳.
۴. حرّعاملی، محمدبن حسین، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۸.
۵. رساله الحقوق للإمام زین العابدین علیه السلام، شرح عباس علی موسوی، بیروت، دارالمرتضی، ۲۰۰۳ م، ۱۴۲۳ هـ.
۶. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناہل العرفان فی علوم القرآن، مصر، المکتبه التوفیقیه.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاریل فی وجوه التأویل، دارالکتب العربی.
۸. سیوطی، ابوالفضل جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. صفایی، سیدحسین، حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۱۰. صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه النایح العربی، ۱۴۱۲ هـ.
۱۳. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ هـ.
۱۴. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۵. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالزهراء للطباعه و النشر و توزیع، ۱۴۰۵ هـ.
۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه.
۱۷. قرطبی، محمدبن احمد ابوبکر، مختصر تفسیر القرطبی، اختصار عرفان حسنه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الفروع من الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. لاینز، جان، *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی*، ترجمه حسین واله، تهران، گام نو، ۱۳۸۳.
۲۰. مشهدی، محمد، *کنز الدقائق*، تحقیق مجتبی عراقی، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ هـ.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی